

دلایل و بسترهای شکل‌گیری کمیته ملیون ایرانی برلین در جنگ جهانی اول

محمدباقر نوذری گرمه خانی* / دکتر ایرج تنهاتن ناصری**

چکیده

تشکیل کمیته ملیون ایرانی برلین در ۱۹۱۵م/ ۱۳۳۴ق را باید در راستای سیاست‌های شرقی دولت آلمان مورد بررسی و مطالعه قرار داد. عطف توجه به ایران و تلاش برای یافتن جایی در زیر آفتاب سوزان آن، به دنبال قرار گرفتن هندوستان و سپس افغانستان در برنامه‌های سیاست خارجی این کشور بود. هدف از این نوشتار بررسی دلایل شکل‌گیری کمیته ملیون ایرانی برلین از سوی آلمانی‌ها است. بنابراین پرسش اصلی مقاله این است که کمیته‌ی ملیون هندی چه نقشی در تشکیل کمیته‌ی ایرانی برلین داشته است؟ در پاسخ به سؤال فوق، فرضیه مقاله این است که درخواست اعضای کمیته ملیون هندی از مقامات آلمانی برای جلب همکاری ایرانیان، از دلایل اصلی شکل‌گیری کمیته برلین بوده است. به عبارت دیگر، عطف توجه به هندوستان و اهمیت این کشور در سیاست شرقی متحدین از دلایل تشکیل کمیته‌ی ایرانی برلین بوده است.

کلید واژه‌ها

ایران، آلمان، کمیته ملیون ایرانی برلین، هندوستان، جنگ جهانی اول.

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران mohamadnozari@yahoo.com
** عضو هیات علمی و استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران irajnaseri@yahoo.com

مقدمه

تشکیل کمیته ملیون ایرانی برلین در جنگ جهانی اول و بررسی بسترها و دلایل شکل گیری این کمیته، در شناخت نگرش متقابل ایرانی‌ها و آلمانی‌ها به همدیگر و روس و انگلیس حایز اهمیت زیادی می‌باشد. در حقیقت کمیته ایرانی برلین بر آمده از سیاست‌های آلمان در جنگ جهانی اول و انعکاس دهنده‌ی دیدگاه‌های طیف وسیعی از ایرانیان بود که آلمانی‌ها را ناجی خود می‌دانستند. اعضای کمیته برلین که غالباً از ایرانیان فرهیخته بودند، صرفاً بر مبنای احساسات میهن‌پرستانه و به منظور نجات کشور از چنگال روس و انگلیس به کمیته پیوستند. بر اساس اسناد موجود کمیته ایرانی برلین ابتدا می‌بایست در خدمت کمیته هندی باشد و آنها را برای تحقق اهدافشان در هندوستان کمک کند، کمیته همچنین می‌بایست به هیأت‌هایی که از آلمان برای ایجاد شورش به هندوستان و افغانستان می‌رفتند، هنگام عبور از ایران کمک کند. این مقاله می‌کوشد تا ضمن بررسی دلایل تشکیل کمیته برلین جایگاه آن را در سیاست‌های شرقی آلمان مورد بررسی قرار دهد.

گفتار اول: چرایی تشکیل کمیته ملیون ایرانی برلین

الف) جنگ جهانی اول و موقعیت استراتژیک شرق

جنگ جهانی اول (اوت ۱۹۱۴ - نوامبر ۱۹۱۸ / ماه رمضان ۱۳۳۲ - صفر ۱۳۳۷) نخستین جنگی بود که سراسر قاره اروپا، روسیه، منطقه خاورمیانه، بخش‌هایی از آفریقا، آمریکا و خاور دور را فرا گرفت و ۲۶ کشور، از جمله ایران در آن درگیر شدند. جنگ اگر چه با قتل فرانتس فردیناند (ولیعهد اتریش) و همسرش (در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴) به دست یک جوان صرب بوسنیایی در سارایوو، پایتخت بوسنی آغاز شد، اما رقابت و نارضایتی کشورهای قدرتمند اروپایی و تعارض جدی منافع آنان در سراسر جهان زمینه‌ساز آن بود (تیلور، ۱۳۷۴: ۱۲-۱). در این جنگ، کشورها در دو دسته متفقین و دولت‌های مرکزی در برابر هم صف‌آرایی کردند. متفقین عبارت بودند از انگلستان، ایتالیا، بلژیک، پرتغال، روسیه که بر اثر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ از جنگ خارج شد، ایالات متحده آمریکا که در ۵ آوریل ۱۹۱۷ / ۱۲ جمادی‌الآخره ۱۳۳۵ عملاً وارد جنگ شد، رومانی، ژاپن، صربستان، فرانسه، مونته‌نگرو و یونان (گرنویل، ۱۳۷۸: ۲۰۶). دولت‌های مرکزی نیز مشتمل بودند بر آلمان، اتریش - مجارستان، حکومت عثمانی و بلغارستان (همان: ۱۳۵-).

۱۲۷). به رغم اعلام بی‌طرفی ایران، در طول جنگ بخش‌هایی از کشور اشغال و پیامدهای جنگی ناخواسته‌ای بر آن تحمیل شد (مجد، ۱۳۸۷: ۲۶-۱۵).

در شرق در آستانه جنگ جهانی اول، دو قدرت بزرگ استعماری انگلستان و روسیه نفوذ بسیار زیاد داشته و آلمان که از تقسیم منافع میان آن دو نصیب نبرده بود، به حکومت عثمانی که بخش عظیمی از سرزمین‌های اسلامی در اروپا، آسیا و آفریقا را در تصرف داشت و منافع آن نیز با انگلستان و روسیه تعارض داشت نزدیک شد (Hourani, 1999).

جهان اسلام به دلایل بسیار به دایره جنگ کشیده شد از جمله به دلیل وسعت جغرافیایی، جمعیت بسیار، قرار گرفتن بر سر راه‌های مواصلاتی مهم، تسلط به مناطق سوق‌الجیشی نظیر آبراه سوئز و تنگه بوسفور و تنگه داردانل و خلیج فارس، مبادی ورود به سرزمین‌های گوناگون، مانند قفقاز و ماوراءالنهر و شبه‌قاره هند، بندرهای بسیار مهم در دریاهای مدیترانه و سرخ و عرب، خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند، ذخایر نفت ایران و بین‌النهرین، پنبه فراوان برای کارخانه‌های نساجی اروپا و... (برو، ۱۹۸۹: ۵۱-۳۹).

ب) اهمیت هندوستان در سیاست شرقی آلمان

در میان کشورهایی که درگیر جنگ بودند، انگلستان به خاطر موقعیت جزیره‌ای و توان بالای نیروی دریایی آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود، به طوری که از مدت‌ها قبل هرگونه تجاوزی به سواحلش را دفع کرده بود. فکر حمله به مستعمرات این کشور را اولین بار ناپلئون مطرح کرد که به دلیل صلح با روسیه از انجام آن منصرف شد، با این وجود اندیشه حمله به مستعمرات انگلیس به جای حمله‌ی مستقیم به آن کشور را همواره در ذهن مخالفان آن به وجود آورد (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۵۷: ۵۹-۵۸).

هدف مشترک آلمانی‌ها برای ضربه زدن به انگلیس و آرزوی مبارزین هندی برای رهایی کشورشان باعث تشریک مساعی آنها شده و هر دو گروه را بر آن داشت تا علیه انگلیس در کنار هم قرار گیرند. انگلیسی‌ها و آلمانی‌ها بر اهمیت نبردها در اروپا وقوف کافی داشتند، اما با این وجود نمی‌توانستند اهمیت خاورمیانه و هند را در تحولات بعدی جنگ نادیده بگیرند. بر این اساس می‌کوشیدند منافع خود را در این مناطق کاملاً حفظ کرده و از آن برای ضربه زدن بر حریف استفاده کنند. اولسون در این زمینه می‌نویسد:

«انگلیسی‌ها امیدوار بودند جنگ را محدود کنند. بیشتر تفکرات استراتژیکی انگلیسی‌ها در

قبل از جنگ، سازماندهی دوباره‌ی نیروی زمینی و نیز استقرار یگان‌های شناور انگلستان همه به منظور رویارویی در اروپا و برنامه‌ریزی شده بود. اما ترک‌ها این آرایش جنگی را به هم زدند و آلمان‌ها که ترک‌ها را دلگرم می‌کردند، مصمم شده بودند در هر جا که ممکن است دشمن را به زانو درآورند» (اولسون، ۱۳۸۰: ۴۲).

آلمانی‌ها در آغاز جنگ جهانی اول برای ایجاد شورش در سرزمین‌های زیر سلطه‌ی انگلیس دفتری در وزارت خارجه آلمان به نام «شعبه اطلاعات شرق»^۱. تشکیل داده و گروه‌های مختلفی از مبارزین مصری، هندی و ایرانی را گرد هم آورده بودند. در همین زمان، بسیاری از اندیشمندان و شخصیت‌های سیاسی هند علیه سیاست بریتانیا به پا خاسته و فعالیت خویش را با تشکیل گروه‌ها و انتشار روزنامه از مدت‌ها قبل آغاز کرده بودند (سپهر، ۱۳۶۲: ۴۳۱-۴۲۲). اولین اقدامی که به همین منظور، یعنی ایجاد شورش در هند و ناآرام کردن دیگر کشورهای همسایه‌ی آن صورت گرفت، اعلان جهاد از سوی «سلطان محمد خامس» در ۲۳ ذی‌الحجه ۱۳۳۲ق بود. این فتوا با تأیید شیخ‌الاسلام استانبول در ۱۴ نوامبر قرائت شد و همان‌گونه که «اولسون» گفته است، این فتوا می‌توانست تأثیر فراوانی بر جای بگذارد:

«ادعایی [اعلان جهاد] که مسلمانان بی‌شماری حتی در هند آن را قبول داشتند، از این رو، کابوس جهاد خواب انگلیسی‌ها را آشفته کرد و آنان نمی‌توانستند قدرت بالقوه مسلمانان را برای به وجود آمدن خیزش اسلامی در مصر، هند، ایران و افغانستان دور از نظر نگه دارند، انگلیسی‌ها پیش از ورود ترک‌ها به این خطر پی برده بودند» (اولسون، ۱۳۸۰: ۴۲).

تأثیر اولیه اعلان جهاد، تهییج احساسات مسلمانان، اعم از شیعی و سنی را به دنبال داشت و آنها را به تکاپو انداخت. مراجع عظام شیعی در نجف به صدور فتاوی «جهادیه» اقدام کرده و مردم ایران را شرعاً مکلف به دفاع از اسلام در برابر هجوم اجانب می‌کردند. در روزنامه کاوه و رستخیز نیز که به‌وسیله کمیته ایرانی برلین منتشر می‌شد، این موضوع مورد توجه گردانندگان آنها بوده و از این طریق به دنبال گسترش مسأله‌ی جهاد در میان ایرانیان بودند (روزنامه کاوه، ۱۳۳۳: ۲۰-۱۹). از جمله علمایی که فتوای جهاد صادر کردند، باید از «آیت‌اله سید مصطفی کاشانی» نام برد که همکاری با روس و انگلیس را در حکم محاربه با خدا و پیامبر می‌دانست. در بخشی از حکم جهاد صادرشده از سوی آیت‌اله کاشانی آمده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. چنین کسی که به یکی از طرق مرقومه به کفار حربی مثل روس و انگلیس و ایتالی و فرانس اعانت نماید، از جمله محاربی با خدا و پیغمبر صلی‌اله علیه و آله محسوب و ساعی در محردین خدا و خاموش کردن نور حث خواهد بود و گناه بسیار بزرگی است» (کاووسی، ۱۳۷۵: ۵۶).

سوء رفتار عثمانی‌ها، خصوصاً اقدامات آنها در غرب کشور، این موج به وجود آمده‌ی مذهبی را کم اثر کرده و مدت زیادی دوام نیاورد و به تدریج با روشن شدن ماهیت واقعی آن به خاموشی گرایید.

ج) تشکیل کمیته ملیون هندی

ورود عثمانی به جنگ و قرار گرفتن این کشور در جبهه‌ی متحدین، سیاست حمله به مستعمرات انگلیس را که از مدت‌ها قبل در محافل سیاسی آلمان مطرح شده بود، وارد مرحله‌ی تازه‌ای کرد. ژنرال مولتکه^۱ - رئیس ستاد ارتش آلمان - در روز عقد اتحاد با عثمانی، در رمضان ۱۳۳۳ ق به وزارت خارجه‌ی آلمان نوشت:

«اگر انگلیسی‌ها علیه ما اقدام کنند، باید تلاش شود یک شورش همگانی در هند و مصر به راه افتد و از ایران خواسته شود تا با استفاده از موقعیت، ضمن رهانیدن خود از یوغ تسلط روس‌ها در صورت امکان با عثمانی مشترکاً وارد عمل شوند (گرکه، ۱۳۷۸، جلد ۱: ۶۷).

این اظهارات اهمیت هندوستان را در برنامه‌های آتی متحدین به خوبی نشان می‌دهد.

کمرنگ شدن مسأله جهاد در میان مسلمانان هندی و شیعیان ایران باعث شد تا متحدین سیاست دیگری را در مورد هند دنبال کنند. این سیاست جدید را «انور پاشا»، وزیر جنگ عثمانی مطرح کرد. وی معتقد بود: «باید از طریق ایران و افغانستان به هند حمله کرد» (همان، جلد ۲: ۵۲).
اعلان بی‌طرفی ایران و وضعیت نامشخص افغانستان، اندیشه‌ی اعزام هیات‌هایی را برای مهیا کردن شرایط حمله به هند مطرح کرد. به این ترتیب استفاده از عناصر ناراضی هندی در دستور کار متحدین قرار گرفت.

به همین منظور در ۱۹۱۴ م / ۱۳۳۳ ق دولت آلمان توانست تعدادی از مبارزین هندی را که در سراسر جهان پخش شده بودند، در برلین گرد هم آورده و از آنها کمیته‌ای تحت عنوان

1- Moltke

«کمیته‌ی ملیون هندی» تشکیل دهد. مورخ‌الدوله سپهر، در کتاب «ایران در جنگ بزرگ» در این مورد می‌نویسد:

«در اواخر ۱۹۱۴ سیاسیون آلمان به منظور ایجاد خصومت، میان هندوستان و انگلیس بر آن شدند تا از حزب انقلابی «غدر» در هند استفاده کنند. این کمیته به کمک «چاتوبادایا» در برلن تشکیل شد» (سپهر، ۱۳۶۲: ۵۵).

د) درخواست کمیته هندی برای جلب همکاری ایرانی‌ها

از نخستین خواسته‌های کمیته‌ی ملیون هندی از آلمانی‌ها، که امید فراوانی به موفقیت آن می‌رفت، جلب همکاری عناصر ایرانی خصوصاً اعضای حزب ملیون بود. سؤالی که در اینجا باید به آن پاسخ داد، این است که چرا «کمیته هندی» تلاش می‌کرد تا موافقت مقامات آلمانی را برای جلب عناصر ایرانی به دست آورد؟ همچنانکه در صفحات پیشین اشاره شد، هیئت‌هایی که قصد آنها ایجاد شورش در هندوستان و برقراری ارتباط با امیر افغانستان بود، بایستی مسافتی طولانی را از داخل خاک ایران عبور کنند. این اقدام علاوه بر نقض بی‌طرفی ایران، آنها را وارد محیطی می‌کرد که از نظر جغرافیایی برای آنها تقریباً ناشناخته بود. در کنار این مسائل، نامشخص بودن اوضاع سیاسی ایران نیز می‌توانست برای این هیئت‌ها ایجاد مشکل کند. به این ترتیب لزوم استفاده از عناصر ایرانی همسو با اهداف متحدین، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بود.

آشنایی نسبی تعدادی از اعضای «کمیته‌ی هندی» با ایران و اوضاع سیاسی آن، باعث شد تا به منظور پیشبرد مقاصدشان از دولت آلمان درخواست کنند تا زمینه‌های همکاری با ایرانیان، خصوصاً حزب دموکرات را که به ضدیت با روس و انگلیس شهرت داشت، فراهم کنند. از جمله افرادی که از این ایده دفاع می‌کرد، باید به مولوی برکت اله از مبارزین هندی اشاره کرد.

اسناد و شواهد موجود نشان می‌دهد که شناخت متحدین از فضای سیاسی ایران و وابستگی فکری رجال آن بسیار اندک بوده است؛ چرا که بسیاری از اعضای کمیته‌ی ایرانی برلین به انگلوفیل بودن اشتهار داشته‌اند. استفاده از این عناصر، ضعف دستگاه امنیتی متحدین و شتابزدگی ناشی از شرایط خاص جنگی را نشان می‌دهد. نخستین کسی که از سوی «کمیته‌ی هندی» به آلمانی‌ها معرفی شد، سیدحسن تقی‌زاده بود که ظاهراً دعوت از وی به پیشنهاد «هارداپال» بوده است. جمال‌زاده که از نزدیک با وی ملاقات‌هایی داشته، او را جزو اندیشمندان کشور هند معرفی می‌کند و نظر مثبتی راجع به وی دارد (جمال‌زاده، ۱۳۷۸: ۷۲). تقی‌زاده در

مورد این دعوت می‌نویسد:

«آنها [کمیته هندی] اسم مرا پیدا کرده بودند و به آلمان‌ها گفته بودند که اگر فلان کس را پیدا کنید، او در ایران نفوذ کلام دارد. باعث این شد که آلمان‌ها پی من آمدند والا مستقیماً آنها مرا نمی‌شناختند. بعدها این مطلب را فهمیدم و واقع امر همین بود» (تقی‌زاده، ۱۳۶۲: ۱۸۳).

در تأیید شناخت اندک آلمانی‌ها از ایران و اوضاع سیاسی آن، می‌توان به درخواست وزارت خارجه‌ی این کشور از «احمدعلی سپهر» منشی سفارت آلمان در ایران، برای کسب اطلاعاتی از تقی‌زاده و سابقه‌ی سیاسی وی اشاره کرد. سپهر در این مورد می‌نویسد:

«رئیس اداره امور شرق آلمان تلگرافاً توضیحاتی راجع به سوابق تقی‌زاده از تهران خواست، فن کاردوف شارژه دافر آلمانی، جواب تلگراف را به نگارنده محول داشت و من آنچه از طفولیت از مراتب وطن پرستی و آزادی‌خواهی و فداکاری تقی‌زاده شنیده بودم، بر روی کاغذ آوردم» (سپهر، ۱۳۶۲: ۵۶).

«اولریخ گرکه»^۱ به درستی معتقد است که آلمانی‌ها سیاست مستقل و روشنی در قبال ایران در دستور کار خویش نداشته‌اند و ایران در سیاست شرقی آنها تنها به منزله بخشی از مأموریت هند و افغانستان، در نظر گرفته شده است. این بی‌برنامگی در مورد ایران را به خوبی می‌توان در سردرگمی آلمانی‌ها نسبت به حیطة‌ی مسؤولیت و وظایف تقی‌زاده تا پیش از تشکیل «کمیته‌ی ایرانی» مشاهده کرد.

به دنبال ورود تقی‌زاده به برلین و آشنایی وی با «کمیته‌ی هندی» به‌رغم رفتار دوستانه و خوب اعضای کمیته و درخواست آلمانی‌ها مبنی بر همکاری ایرانیان با «کمیته هندی» وی امتناع کرد و خواستار در پیش گرفتن سیاستی مستقل با داشتن امتیازاتی مشابه شد. رضا افشار که از آمریکا به همراه تقی‌زاده به برلین آمده بود، ضمن تأیید گفته‌های تقی‌زاده در این مورد، مدعی است که آنها پس از رد همکاری با کمیته‌ی هندی خواستار بازگشت به آمریکا شده‌اند که آلمانی‌ها به شدت با آن مخالفت کرده و از آنها خواسته‌اند که به دلیل اطلاع از نقشه‌ی آلمان، تا پایان جنگ در این کشور بمانند (افشار، ۱۳۳۳: ۴۳۶). این سختگیری قطعاً برای مجبور کردن تقی‌زاده و افشار برای همکاری با آلمانی‌ها بوده است. در این مرحله است که پیشنهاد تشکیل یک انجمن ایرانی مطرح می‌شود.

1 - Ulrich Gehrke

تقی‌زاده قبل از اتخاذ هر تصمیمی در این مورد کوشید ایرانی‌هایی را که در سراسر اروپا پراکنده بودند، برای بررسی راه‌های همکاری با آلمان در برلین گرد هم آورد. به همین منظور در زمستان ۱۹۱۵م از طریق اداره پست محله‌ی شالوتنبرگ شهر برلن نامه‌هایی به پاریس، لندن، ژنو و استانبول فرستاد (بهنام، ۱۳۷۹: ۱۸). تلاش‌های تقی‌زاده در جهت تشکیل کمیته‌ای مستقل، بالاخره نتیجه داد و ایرانیان توانستند امتیازاتی مشابه «کمیته‌ی هندی» به دست آورند. به این ترتیب «پس از ورود آقایان به برلن شورایی تشکیل داده و در نتیجه کمیته‌ی ایرانی و مستقل (اگرچه با همکاری نزدیک با سران انقلابیون و کمیته هندی) تأسیس شد» (تقی‌زاده، ۱۳۶۲: ۴۸۲). افشار معتقد است در این زمینه قراردادی با آلمانی‌ها منعقد شد که در آن آلمانی‌ها متعهد می‌شدند در صورت پیروزی در جنگ تمامیت ارضی و استقلال ایران را به رسمیت بشناسند و حدود سه میلیون مارک برای تأمین مخارج کمیته‌ی برلین در اختیار آنها بگذارند. کمیته نیز متعهد می‌شد در ایران یک «دولت میهن‌دوست» به وجود آورد و از تصمیماتش - چه در جهت حفظ بی‌طرفی و چه در ورود به جنگ - به نفع آلمان و متحدانش عمل کند (افشار، ۱۳۳۳: ۴۴۳-۴۴۶). تقی‌زاده در خاطراتش این ادعا را رد کرده و در مورد مبلغ مورد نظر و پیشنهاد وعده به آلمانی‌ها برای تشکیل یک دولت دوست اظهار بی‌اطلاعی کرده است (تقی‌زاده، ۱۳۶۲: ۴۸۳).

ه) در پیش گرفتن سیاست مستقل از عثمانی از سوی آلمان

عامل دیگری که در تشکیل «کمیته‌ی ایرانی برلین» نقش داشت، در پیش گرفتن سیاست مستقلی در قبال ایران از سوی دولت آلمان بود. علت این امر را باید گزارش‌های اغراق‌آمیز «کاردورف»^۱، کاردار سفارت آلمان در تهران، تلاش‌های «کنت کانیتز»^۲ (در میان روسای ایلات و عشایر، به وجود آمدن جو ضد متفقین در سراسر ایران و از همه مهم‌تر، شکاف و اختلافی باید دانست که میان مأمورین آلمانی و عثمانی در قضیه‌ی هیئت‌های اعزامی به افغانستان و بین‌النهرین به وجود آمده بود. گرکه در این مورد می‌نویسد:

1- Rudolf von kardorf

2- Kunt Kantiz

«تقریباً همزمان با این رویدادها، «وزندونگ»^۱ درباره استفاده از ملی‌گرایان ایرانی، با «نادولنی»^۲ به گفت‌وگو پرداخت و پیشنهاد کرد چون این افراد هرکدام گرایش فکری خاصی دارند و گفت‌وگو با تک‌تک آنها دشوار است، خوب است از ایشان کمیته‌ای تشکیل شود تا ملی‌گرایان ایرانی پس از عضویت در آن بتواند درباره یک برنامه عملیاتی به توافق برسند، آنگاه وزارت خارجه تماس لازم با آن کمیته را برقرار نماید» (گرکه، ۱۳۷۸، جلد ۱: ۱۵۶).

وی در ادامه‌ی این گزارش می‌نویسد: «لانگورت و زیمرمن به این پیشنهاد پاسخ مثبت دادند و تقی‌زاده و حسین‌خان اختر هم موافقت کردند» (همان: ۴۳۹). وی در تحلیل خود از شکل‌گیری کمیته‌ی ایرانی، بدون اشاره به نقش «کمیته‌ی هندی» تنها بر مسأله جدایی سیاست آلمان از عثمانی اشاره کرده است. وی می‌نویسد: «یکی از تصمیم‌هایی که در جهت پشتیبانی از سیاست فعال آلمان، بعد از سیاست عثمانی در ایران گرفته شد، جمع کردن ملیون ایرانی در برلین بود» (همان: ۱۵۵). این در حالی است که اسناد موجود و اشارات بسیاری از اعضای کمیته‌ی برلین نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که دعوت از ایرانیان به برلین ابتدا به منظور کمک کردن به مبارزین هندی و قرار گرفتن در کنار آنها بوده است نه در پیش گرفتن یک سیاست مستقل از عثمانی در قبال ایران؛ به عبارت دیگر اتخاذ یک سیاست مستقل در قبال ایران، پس از این مرحله به اجرا درآمده است. تقی‌زاده می‌نویسد:

«با کمیته هندی که رشته امور فعالیت در مشرق را در دست داشت آشنا شدیم و تقاضای آنها و آلمان‌ها که همان منظور آنها بود به ما تکلیف شد که عبارت از این بود که به انقلابیون و وطن‌پرستان هند که از راه ترکیه در ایران می‌خواستند خود را به هند برسانند کمک کنیم و معلوم شد که صحبت ارشاد اسرای مسلمین در آلمان بهانه ظاهری بود، زیرا حقیقت امر را در نیویورک نمی‌توانستند به من صراحتاً بگویند» (تقی‌زاده، ۱۳۶۵: ۴۸۱).

توجه به اوضاع هندوستان حتی پس از جدا شدن کمیته ایرانی از کمیته هندی در روزنامه‌ی کاوه و رستخیز همچنان دیده می‌شود. در شماره ۱۹ سال ۱۳۳۴ روزنامه رستخیز مقاله‌ای است که در آن نویسنده به بررسی جنایات انگلیس در هندوستان در جنگ جهانی اول پرداخته و اعدام آزادیخواهان به بهانه‌ی طرفداری از آلمان خصوصاً پروفیسور «باهی پلو ماناند» محکوم شده است. در این مورد آمده است:

1- Otto gunther v.wesenfonk

2- Nadolny, R

«تاریخ هندوستان از این ظلم‌ها بسیار زیاد دارد، از قبیل شهادت دو روزنامه‌نویس مسلمان در دهلی یکی به جرم آنکه آشکارا برای هلال احمر عثمانی اعانه جمع نمود، دیگری گناهش آن بود که مقاله سیاسی نشر داد.» (روزنامه رستخیز، ۱۳۳۴: ۳).

گفتار دوم: اهداف و برنامه‌های کمیته‌ی ملیون ایرانی برلین

طبق یادداشت وزندونک، مسؤول امور مشرق در شعبه سیاسی وزارت خارجه‌ی آلمان، تقی‌زاده در روز ۷ مارس ۱۹۱۵ برنامه‌ای در ۱۸ صفحه به زبان فرانسه و بدون عنوان، همراه با فهرستی در ۸ صفحه که شامل نیازهای ضروری برای اجرای برنامه و امکانات ایجاد خسارت و مزاحمت به دشمن بود، ارائه کرد (ایچرنسکا، ۱۳۸۲: ۵۴). در این برنامه تمهیداتی مطرح شده بود که در آن ایرانیان در کنار متحدین با روس و انگلیس وارد جنگ شوند. علاوه بر این، کمیته خواستار آن شده بود که کشورهای اتحاد مثلث در بیانیه مشترکی تمامیت ارضی ایران را ضمانت کنند. کمیته برلین همچنین از دولت آلمان می‌خواست تا میان ایرانیان و ترک‌ها که شعارهای پان‌ترکیست و پان‌اسلامیست آنها در کنار حضور نظامی‌شان در ایران ایجاد نگرانی می‌کرد، وساطت کنند. در ادامه طرحی نیز برای تشکیل یک کابینه ملی و چگونگی ورود ایران به جنگ مطرح شده بود که با توجه به اوضاع کشور کاملاً خوشبینانه بود.

طبق برنامه آلمانی‌ها وظیفه اصلی کمیته، تبلیغاتی، نظامی و کمک به ملیون هندی و افغانی بود. وظیفه‌ی مرکزیت کمیته در برلین هماهنگ کردن همه فعالیت‌ها در ضمن همکاری با آلمان و فعالیت در کشورهای اروپایی به نفع ایران بود. تأمین هزینه‌های مالی بر عهده‌ی آلمان بود، هزینه‌های پرسنلی و غیر پرسنلی کمیته‌ی برلین و نمایندگی‌هایش در ۴ ماه اول کاری طبق فهرست ضمیمه برنامه ۹۰۱،۱۰۰ مارک برآورد شده بود. علاوه بر این، برای جلب توافق خان‌های عشایر و فرمانروایان ایلات نیز مبلغی بین ۲۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار مارک در نظر گرفته شده بود(همان).

در ۱۳ مارس وزندونک از سروان نادونلی - رئیس بخش سیاسی معاونت ستاد ارتش - خواست که نظرش را در مورد کمیته‌ی برلین و برنامه‌هایش اعلام کند. وی همچنین متذکر می‌شود که پول‌های درخواست شده از سوی تقی‌زاده به‌صورت قسطی و تحت نظارت آلمانی‌ها به هیات‌های اعزامی پرداخت شود. نادونلی در پاسخش در ۸ مارس ضمن تأکید بر اهمیت داشتن این پیشنهادها، انجام آن را غیرممکن می‌داند و لذا خواستار کاهش هزینه‌ها می‌شود.

_____ دلایل و بسترهای شکل‌گیری کمیته‌ی ملیون ایرانی برلین در جنگ جهانی اول

وی می‌نویسد: «یک تبلیغات موثر در ایران می‌تواند ارزشمندتر از آن مبلغی که خواسته شده [باشد]» (همان: ۵۵).

آلمانی‌ها پس از بررسی‌های فراوان در نهایت از میان پیشنهادهای کمیته برلین تنها با مبلغ مورد نظر آنها موافقت کردند، آنها به دو پیشنهاد دیگر کمیته که اطلاع از اقدامات قبل و بعد آلمان در مورد ایران و اینکه کمیته محور همه‌ی اقدامات غیررسمی در ایران باشد، هرگز توجهی نشان ندادند.

الف) تبلیغ و موعظه در میان اسرای شرقی

قلمرو وسیعی را که متفقین تحت سلطه‌ی خویش درآورده بودند، علاوه بر استفاده‌های اقتصادی، بخش اعظمی از نیروهای نظامی آنها را نیز تأمین می‌کرد. استفاده از این افراد در جبهه‌های جنگ اسارت تعداد زیادی از آنها را به دنبال داشت، به نحوی که اردوگاه‌های آلمان مملو از این اسرا بود. روزنامه کاهه در شماره ۱۱، سال دوم، راجع به اسرای موجود در قرارگاه‌های آلمان گزارشی ارائه کرده که به خوبی اهمیت مسأله اسرا را روشن می‌کند. در بخشی از این مقاله که با اسم مستعار «ارجمند» می‌باشد، آمده است:

«بالفعل در ایالات مختلفه ممالک آلمان متجاوز از صد اردوگاه برای قرارگاه ۷۹۴، ۶۶۳، ۱ نفر اسرای جنگی از هر قبیل و جنس از روسی و فرانسوی و انگلیسی و بلژیکی و هندی و استرالیایی و کانادایی و عده کثیری هم از ملل مختلفه مسلمین که از ابتدای این جنگ عمومی در عرض دو سال گذشته بدست قشون آلمان افتاده‌اند، موجود است» (روزنامه کاهه، ۱۳۳۴، شماره ۱۱: ۲).

وجود این تعداد اسیر در اردوگاه‌های متحدین، لزوم جلب قلوب آنها را برای دولت آلمان ایجاد می‌کرد. به این ترتیب آنها کوشیدند در میان اسرا به تبلیغ بپردازند. تقی‌زاده و رضا افشار معتقدند که در نیویورک گمان می‌برده‌اند که نقش آنها صرفاً جلب قلوب اسرای مسلمان بوده است (ایچرنسکا، ۱۳۸۲: ۵۲). اهمیت مسأله اسرای شرقی برای سیاستمداران آلمانی را می‌توان به خوبی در دعوت آنها از تقی‌زاده مشاهده کرد. وی در این مورد می‌نویسد:

«گفت [کنسول آلمان] حقیقت مطلب این است که دولت آلمان اسرای زیادی از فرانسه و انگلیس و روس گرفته است. عده زیادی مسلمان دارد. از الجزایر و تاتارستان تا هندوستان. مسلمان‌ها را از اسرای دیگر جدا کرده بودند. مثلاً بیست هزار اسیر مسلمان‌ها را جدا کرده

بودند و «کامپ علیحده» برای آنها درست کرده بودند و می‌خواستند پروپاگاند به مسلمانان‌ها بکنند. چون آنها را دولت انگلیس یا فرانسه به جنگ آلمان آورده بودند و آلمان‌ها می‌خواستند دل آنها را برگردانند و آنها حالی بشوند که منافعشان در دوستی آلمان و دشمنی با دولتی است که بر آنها مسلط شده است. برای آن کار کسانی را می‌خواستند که حرفشان نافذ باشد.» (تقی‌زاده، ۱۳۶۵: ۱۸۳-۱۸۲)

تبلیغ در میان این اسرای از جمله وظایفی بود که برای «کمیته هندی» و «کمیته ایرانی» در نظر گرفته شده بود. (سپهر، ۱۳۶۲: ۵۵) در یکی از شماره‌های روزنامه‌ی رستخیز به موضوع اسراء اشاره شده است که نشان دهنده‌ی اهمیت آنها در برنامه‌های دولت آلمان می‌باشد. در بخشی از این مطلب آمده است:

«۱۵ رمضان از برلین از برای مسلمانان قفقاز از تونس، جزایر مراکش و هندوستان که از میان لشکریان فرانسه و روس و انگلیس اسیر آلمان شده بودند، دولت آلمان در لوسول مسجد باشکوه و بزرگی ساخته است که با حضور سرگرد [ناخوانا] و سفیر دولت عثمانی افتتاح گردید. امیر [ناخوانا] آلمان از برای مسلمانان اسیر که در پیش مسجد صف زده بودند، نطقی به این مضمون نمود: امپراطور این مسجد را برای مسلمانانی که می‌خواهند وظیفه مذهبی خود را به جای آورند بنا کرده است. شما مسلمانانی که به زور روس و انگلیس نه به اراده جنگ به جنگ ما آمده‌اید، امروز خود را در مملکت ما اسیر نپندارید، بلکه مهمان ما هستید. پس از آن مؤذن بالای مناره اذان گفته مسلمانان مشغول نماز شدند» (رستخیز، ۱۳۳۳، شماره ۲: ۳).

ب) اعزام هیأت‌های به ایران برای همکاری با آلمانی‌ها

سیدحسن تقی‌زاده برنامه‌های «کمیته ملیون ایرانی» را که در ۱ مارس ۱۹۱۵ تدوین شده بود، در ۷ مارس برابر با ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ به وزارت خارجه‌ی آلمانی تحویل داد که از سوی نادولتی اینگونه توصیف شد: «برنامه‌ای است مطلوب که می‌توان به آن عمل کرد و به هدف مطلوب دست یافت». در این یادداشت «کمیته‌ی ایرانی برلین» خطوط اصلی برنامه‌های خویش را بیان و آنها را به صورت زیر ارائه کرده است:

۱- یک اتحادیه عمومی مرکب از کلیه‌ی عناصر میهن‌پرست و نیروهای فعال و با نفوذ معنوی، سیاسی و روحانی کشور تشکیل دهد. به عبارت دیگر، ایجاد ایرانی متحد و قوی، پایه اصلی برنامه جمعیت است؛

_____ دلایل و بسترهای شکل‌گیری کمیته‌ی ملیون ایرانی برلین در جنگ جهانی اول

۲- پس از تحقق و تشکیل اتحادیه، کلیه‌ی بنیادهای قانونی کشور، اعم از شاه، مجلس و دولت در آن گرد خواهند آمد؛

۳- دولت و ملت به اتفاق، در جهت تقویت نیروهای نظامی کشور و نزدیک شدن به دول متحد و دریافت کمک‌های لازم، از راه‌های رسمی، فعالیت خواهند کرد؛

۴- دولت به سرعت و با حمایت ملت، به نحوی مؤثر، به دول متحد خواهد پیوست و با تمام قوا در راه آزادی ایران و انتقام از انگلستان و روسیه، دشمنان تاریخی ایران و اسلام و دوستان خود [دول متحد] خواهد کوشید (گرکه، ۱۳۷۸، جلد ۱: ۸۷۳-۸۷۲).

به دنبال مشخص شدن اهداف و برنامه‌های کمیته، تلاش برای دستیابی به این مقاصد نیز آغاز شد، در اولین گام سه هیأت به سمت بغداد و کرمانشاه، تهران و شیراز اعزام گردیدند. هدف مشترک این هیأت‌ها دعوت از ایرانیان برای همکاری با متحدین، کشاندن دولت ایران به جنگ در کنار متحدین، تشکیل نیرویی نظامی از ایلات و عشایر، همکاری با آلمانی‌ها و عثمانی در ایران و نهایتاً پیوستن به دولت موقت کرمانشاه بود. در چارچوب این سیاست‌ها اعضای کمیته برلین دست به اقداماتی زدند که از این میان می‌توان به تشکیل اتحادیه‌ی عشایری و همکاری با دولت موقت کرمانشاه اشاره کرد. تاسیس روزنامه‌های کوه و رستخیز نیز در راستای این سیاست بود. کمیته‌ی برلین پس از تصرف کرمانشاه به دست متفقین فعالیت خود را در ایران به پایان رساند و در برلین به کارهای سیاسی مانند شرکت در کنفرانس صلح برست لیتوسک و ارسال نامه به ویلسون پرداخت. از دیگر کارهای کمیته برلین کمک به هیأت‌های آلمانی اعزامی به هندوستان و افغانستان و تشکیل شاخه‌ای از کمیته برلین در عثمانی بود که چندان موفقیت‌آمیز نبود.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که گفته شد سیدحسین تقی‌زاده دعوت از ایرانیان سراسر اروپا را در رأس برنامه‌هایش قرار داد و تعداد زیادی را به برلین دعوت کرد. از جمله کسانی که به دعوت تقی‌زاده پاسخ مثبت دادند، می‌توان به علامه محمد قزوینی، اسماعیل پورداوود، محمود اشرف‌زاده، ابوالحسن خان نواب، جمال‌زاده، سعداله خان درویش، نصراله‌خان جهانگیر، راوندی، کاظم‌زاده ایرانشهر، حاج اسماعیل امیرخیزی، میرزا اسماعیل یکانی، آقا میرزا اسمعیل نوبری و میرزا آقا ناله ملت، عزت‌اله هدایت، میرزا رضاخان افشار و چند تن دیگر که در برلین حضور

داشتند، اشاره کرد. به این ترتیب کمی بعد از ورود تقی‌زاده به برلین زمینه‌های تشکیل کمیته ملیون ایرانی برلین متشکل از عناصر وطن پرست و عموماً تحصیلکرده فراهم شد. در همین زمان اوضاع داخلی کشور بسیار ملتهب و در تهران رقابت شدیدی میان دولت‌های متخاصم و ملیون ایرانی در جریان بود که پیش‌بینی حوادث را بسیار سخت می‌کرد. کمیته‌ی برلین با انجام تشکیلات مسنجم ضمن انجام فعالیت‌های سیاسی با ایجاد محفل‌هایی علمی و ادبی پیشگام در ترویج شیوه‌های علمی تحقیق در کشور می‌باشد. بی‌تردید ظهور کسانی چون محمدعلی جمالزاده به‌عنوان پدر داستان‌نویسی کوتاه ایران نتیجه‌ی همکاری وی با کمیته‌ی ملیون ایران بوده است. در سال‌های بعد تشکل‌های دیگری بر اساس کمیته برلین به وجود آمد که «کنفدراسیون دانشجویان ایرانی» یکی از مهم‌ترین‌های آنها به شمار می‌رود.

با پایان جنگ جهانی اول بیشتر اعضای کمیته برلین آلمان را ترک کردند، از اعضای باقیمانده سیدحسن تقی‌زاده، جمال‌زاده و قزوینی همچنان در برلین باقی‌مانده و به رغم شرایط سخت اقتصادی و سیاسی آلمان پس از جنگ، به فعالیت علمی خود، خصوصاً در انتشار دوره جدید کاوه و انتشار کتاب‌هایی در چاپخانه‌ی کاویانی ادامه دادند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آتایف، ترکایا (۱۳۸۰). روابط ایران و عثمانی در جنگ جهانی اول، مجموعه مقالات سمینار، به کوشش صفا اخوان. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- افشار، رضا (۱۳۳۳). «گوشه‌ای از تاریخ معاصر»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، دوره ششم، شماره ۴.
- اولسون، جی ویلیام (۱۳۸۰). روابط ایران و انگلیس در جنگ‌های جهانی اول، ترجمه حسین زنگنه. تهران: انتشارات شیرازه.
- ایچرنسکا، ایلزه (۱۳۸۲). تقی‌زاده در آلمان قیصری (ملاحظات دربار همکاری با آلمان در اثنای جنگ جهانی اول)، ایران نامه، شماره ۸۲-۸۱.
- برو، توفیق، القضیه العربیه فی الحرب العالمیه الاولى ۱۹۱۴-۱۹۱۸، دمشق
- بهار، محمدتقی (۱۳۲۳). تاریخ مختصر اجزای سیاسی، جلد اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بهنام، جمشید (۱۳۷۹). برلنی‌ها اندیشمندان ایرانی در برلن. تهران: نشر پژوهش.

_____ دلایل و بسترهای شکل‌گیری کمیته‌ی ملیون ایرانی برلین در جنگ جهانی اول

بیات، کاوه (۱۳۶۹). اسناد ایران در جنگ جهانی اول، وزارت داخله. تهران: انتشارات مرکز اسناد ملی ایران.

تقی زاده، سید حسن (۱۳۶۵). زندگی طوفانی، به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات علمی.

تیلور، آلن جان پرسیوال (۱۳۷۴). جنگ جهانی اول، ترجمه بهرام فرداد امینی. تهران: بی نا.

جمال زاده، سید محمدعلی (۱۳۷۸). خاطرات سید محمدعلی جمال‌زاده، به کوشش ایرج افشار، علی دهباشی. تهران: انتشارات سخن، شهاب ثاقب.

روزنامه رستخیز، ۱۳۳۳-۱۳۳۴، بغداد و کرمانشاه (موجود در آرشیو کتابخانه مجلس)

روزنامه کاوه، دوره قدیم و جدید ۱۹۱۵-۱۹۲۱ (موجود در کتابخانه دانشگاه تهران)

سپهر، محمدعلی (۱۳۶۲). ایران در جنگ بزرگ. تهران: نشر ادیب.

شیخ‌الاسلامی، محمدجواد (۱۳۵۷). سیمای احمدشاه قاجار، جلد اول. تهران: نشر گفتار.

صالحی، نصراله (۱۳۸۰). جنگ جهانی اول و واکنش علمای ایرانی مقیم عراق، ایران در جنگ جهانی اول، به کوشش صفا اخوان. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

ظهير نژاد ارشادی، مینا (۱۳۷۹). گزیده‌ی اسناد روابط ایران و آلمان، جلد ۵. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.

قطبی، بهروز (۱۳۷۰). اسناد ایران در جنگ جهانی اول. تهران: انتشارات نشر قرن.

کاووسی عراقی، محمدحسن (۱۳۷۵). فتاوی جهادیه علما و مراجع عظام در جنگ جهانی اول. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

کحال‌زاده، میرزا ابوالقاسم (۱۳۶۳). خاطره‌ها، شنیده‌ها، به کوشش مرتضی کامران. تهران: نشر فرهنگ.

گرنویل، جان اشلی سومز (۱۳۷۷). تاریخ جهان در قرن بیستم، ترجمه جمشید شیرازی، فضل‌الله جلوه و علی‌اصغر بهرام‌بیگی، جلد ۱. تهران: بی نا.

گرکه، اولریخ (۱۳۷۷). پیش به سوی شرق؛ ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول، ترجمه پرویز صدری. تهران: کتاب سیامک.

مجد، محمد قلی (۱۳۸۷). انگلیس و اشغال ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه مصطفی امیری. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

میروشنیکف (۱۳۵۷). ایران در جنگ جهانی اول. ترجمه ع.دخانیاتی. تهران: انتشارات فرزانه.

نیدرمایر، اسکارفن (۱۳۶۳). زیر آفتاب سوزان ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: بی نا.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال پنجم، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۹۱

(ب) منابع انگلیسی

Hourani, Albert (1999). **History of the Arab Peoples**, Harvard University Press.